



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ  
وَالَّذِي جَعَلَ مِنَ  
النَّارِ سَمُوكًا  
وَالَّذِي جَعَلَ  
الْجِبَالَ أَوْتَادًا  
وَالَّذِي سَخَّرَ  
لَهُمْ رِجَالَهُمْ  
فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ  
وَالَّذِي جَعَلَ  
لَهُمْ فِي الْبَرِّ  
وَالْبَحْرِ مَنَازِلَ  
وَالَّذِي جَعَلَ  
لَهُمْ فِي الْبَرِّ  
وَالْبَحْرِ مَنَازِلَ  
وَالَّذِي جَعَلَ  
لَهُمْ فِي الْبَرِّ  
وَالْبَحْرِ مَنَازِلَ



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه اقتصاد

پایان نامه دکتری رشته‌ی علوم اقتصادی گرایش اقتصاد پولی

تحلیل قواعد سیاست پولی در علم اقتصاد و ارائه معیارهای قاعده‌ی

پیشنهادی ایده آل سیاست پولی

استاد راهنما

دکتر محمد واعظ برزانی

استادان مشاور

دکتر رحیم دلالی اصفهانی

دکتر رسول بخشی دستجردی

پژوهشگر

ایمان باستانی فر

دی ماه 1391

کلیه حقوق مادی برنتایج مطالعات، ابتکارات  
و نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این  
پایان‌نامه متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه اقتصاد

پایان نامه دکتری رشته‌ی علوم اقتصادی گرایش اقتصاد پولی آقای

ایمان باستانی فر تحت عنوان

**تحلیل قواعد سیاست پولی در علم اقتصاد و ارائه معیارهای قاعده‌ی**

**پیشنهادی ایده آل سیاست پولی**

در تاریخ 91/10/20 توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

- 1- استاد راهنمای پایان نامه دکتر محمد واعظ برزانی با مرتبه‌ی علمی دانشیار امضا
- 2- استاد مشاور پایان نامه دکتر رحیم دلالی اصفهانی با مرتبه‌ی علمی دانشیار امضا
- 3- استاد مشاور پایان نامه دکتر رسول بخشی دستجردی با مرتبه‌ی علمی استادیار امضا
- 4- استاد داور داخل گروه دکتر سعید صمدی با مرتبه‌ی علمی دانشیار امضا
- 5- استاد داور داخل گروه دکتر خدیجه نصراللهی با مرتبه‌ی علمی استادیار امضا
- 6- استاد داور خارج گروه دکتر سید عبدالمجید جلایی اسفندآبادی با مرتبه‌ی علمی دانشیار امضا

امضای مدیر گروه

## چکیده

یکی از اهداف نهایی اقتصاد کلان، تثبیت اقتصادی است. برای دست یابی به این هدف نهایی، اهداف میانی طراحی می شوند که سیاست های اقتصادی به عنوان ابزاری برای تحقق اهداف میانی به شمار می روند. سیاست های پولی، از سیاست های مهم در اقتصاد کلان هستند که نقش مهمی در تثبیت اقتصادی یا برهم زدن آن بر عهده دارند. اما سوالی که مطرح است این است که آیا طراحی سیاست های پولی اقتصاد کلان بر اساس اقدامات مصلحت گرایانه می تواند ثبات اقتصادی را برقرار نماید و یا آن که سیاست های پولی باید مبتنی بر قاعده باشد؟ بیشتر مطالعات اخیر و همچنان مطالعات پایه ای در اقتصاد پولی توافق بر به کارگیری قاعده دارند، اما تعاریف، مبانی و معیارهای این قواعد بر اساس دیدگاه های حاکم بر فضای فکری قاعده گذاران متفاوت است. از آنجا که مساله قاعده گذاری و استدلال های حاکم بر ضرورت شکل گیری آن از موضوعات چالشی مهم در عرصه های نظری و کاربردی است، این رساله به تحلیل محتوای چهار قاعده ی سیاست پولی فریدمن (1969)، کیدلند و پرسکات (1977)، تیلور (1993) و داو (1999) که در بستر چهار مکتب فکری شیکاگو، کلاسیک های جدید، کینزین های جدید و اتریشی شکل گرفته است، با روش تحلیل محتوا می پردازد.

در تحلیل محتوای چهار قاعده ی سیاست پولی مذکور، مبانی و معیارهای قواعد سیاست پولی مذکور مورد ارزیابی قرار گرفته است. ارزیابی مبانی قواعد سیاست بر اساس تعریف ویلیام پول (1999) از سه منظر شکل گیری انتظارات، تفکر نظام مند و وظایف پول مورد بررسی قرار گرفته است. در ارزیابی معیارهای قواعد سیاست پولی (کارایی، بهینگی، برابری و پایداری)، الگوی بازگشتی دو خانواری لینکوئیست و سارجنت (2004) با محدودیت کلاور و بر اساس N خانوار ناهمسان بسط و یک فرمول ریاضی جدید برای استخراج مسیرهای مصرف و حجم پول برای الگوهای تصادفی پویا استخراج می گردد و تمام قواعد سیاست های پولی مذکور بر اساس این الگوی جدید طراحی می گردد. نتایج این پژوهش نشان می دهد قواعد سیاست پولی منتخب از منظر تفکر نظام مند، وظایف پول، شکل گیری انتظارات و معیارهای کارایی، بهینگی، پایداری و برابری باهم متفاوت است؛ به طوری که قاعده ی ایده آل پولی استخراج شده، زیرمجموعه ی حداکثری از معیارهای چهارگانه ی کارایی، بهینگی، پایداری و برابری است و رشد حجم پول، تابعی از معیارهای مذکور است.

**واژگان کلیدی:** قاعده سیاست پولی، رهیافت بازگشتی، مکتب اقتصادی، قاعده ی ایده آل پولی

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
<b>فصل اول: طرح تحقیق</b>	
1.....	مقدمه
4.....	1-1- شرح و بیان مساله ی تحقیق
6.....	2-1- اهداف تحقیق
6.....	3-1- اهمیت و ضرورت تحقیق
7.....	4-1- کاربرد نتایج تحقیق
7.....	5-1- فرضیه های تحقیق
8.....	6-1- روش تحقیق
9.....	7-1- واژگان کلیدی
<b>فصل دوم: پیشینه و ادبیات موضوع</b>	
10.....	مقدمه
11.....	1-2- معرفی مفاهیم
11.....	1-1-2- مفهوم سیاست اقتصادی
13.....	2-1-2- مفهوم سیاست پولی در علم اقتصاد
17.....	3-1-2- مفهوم پول درون زا و پول برون زا
23.....	4-1-2- مفهوم قاعده سیاست پولی در علم اقتصاد
25.....	2-2- قواعد پولی در مکاتب اقتصادی مختلف
25.....	1-2-2- قاعده ی پولی فریدمن در بستر مکتب پول گرایان
27.....	2-2-2- قاعده ی سیاست پولی کیدلند و پرسکات در بستر مکتب کلاسیک های جدید
29.....	3-2-2- قاعده ی سیاست پولی تیلور در بستر مکتب کینزین های جدید
32.....	4-2-2- قاعده ی سیاست پولی داو در بستر مکتب اتریشی
35.....	3-2- مبانی قواعد سیاست پولی
35.....	4-2- معیارهای قاعده ی سیاست پولی
36.....	1-4-2- بهینگی و زیر بهینگی
40.....	2-4-2- کارایی

عنوان	صفحه
2-4-3- برابری و عدالت	43.....
2-4-4- پایداری	44.....
2-5-2- پیشینه ی مطالعات داخلی و خارجی	49.....
2-5-1- مطالعات داخلی	49.....
2-5-2- مطالعات خارجی	51.....
2-6- جمع بندی	55.....

### فصل سوم: روش تحقیق

مقدمه	57.....
3-1- تحلیل محتوای مبانی قواعد سیاست پولی	58.....
3-1-1- ویژگی های روش تحلیل محتوا	59.....
3-1-2- مراحل تحلیل محتوا	60.....
3-1-3- تحلیل محتوای مبانی قواعد سیاست پولی از منظر فرضیه های تحقیق	62.....
3-2- تحلیل معیارهای قاعده سیاست پولی	67.....
3-2-1- دلایل شکل گیری رهیافت بازگشتی در علم اقتصاد	68.....
3-2-2- ویژگی های تعادل در رهیافت بازگشتی	73.....
3-2-3- تعادل های پولی بر اساس الگوهای رقابتی بازگشتی:	76.....
3-4- نحوه ی ارزیابی معیارهای قواعد سیاست پولی بر اساس رهیافت بازگشتی	80.....
3-3- تحلیل معیار ایده آل قاعده سیاست پولی	83.....
3-4- سازگاری روش تحقیق	83.....
3-5- جمع بندی	84.....

### فصل چهارم: ارزیابی فرضیه های تحقیق در چارچوب الگوی تحقیق

مقدمه	85.....
4-1- معرفی قاعده ی سیاست پولی فریدمن (1969)	86.....
4-2- تحلیل مبانی قاعده ی سیاست پولی فریدمن	86.....
4-2-1- شکل گیری انتظارات در قاعده ی سیاست پولی فریدمن	86.....
4-2-2- تفکر نظام مند از منظر قاعده فریدمن	89.....



عنوان	صفحه
3-2-4-وظایف پول از منظر قاعده ی سیاست پولی فریدمن	93.....
3-4- معرفی قاعده سیاست پولی کیدلند و پرسکات(1977)	93.....
4-4-تحلیل مبانی قاعده سیاست پولی کیدلند و پرسکات	95.....
1-4-4- شکل گیری انتظارات در قاعده ی سیاست پولی کیدلند و پرسکات	95.....
2-4-4-تفکر نظام مند از منظر قاعده ی کیدلند و پرسکات	98.....
3-4-4-وظایف پول از منظر کیدلند و پرسکات	102.....
5-4- معرفی قاعده ی سیاست پولی تیلور(1993)	103.....
6-4- تحلیل مبانی قاعده ی سیاست پولی تیلور	104.....
1-6-4- شکل گیری انتظارات در قاعده ی سیاست پولی تیلور	104.....
2-6-4- تفکر نظام مند از منظر قاعده ی تیلور	107.....
3-6-4-وظایف پول از منظر قاعده ی تیلور	111.....
7-4- معرفی قاعده سیاست پولی داو(1999)	111.....
8-4- تحلیل مبانی قاعده ی سیاست پولی داو	112.....
1-8-4- شکل گیری انتظارات در قاعده ی سیاست پولی داو	112.....
2-8-4- تفکر نظام مند از منظر قاعده ی داو	115.....
3-8-4- وظایف پول از منظر قاعده ی داو	119.....
9-4- طراحی قواعد سیاست پولی فریدمن، کیدلند و پرسکات، تیلورو داو بر اساس رهیافت بازگشتی	119.....
1-9-4- اثبات الگوی دونسلی لینکوئیست و سارجنت(2004) با فرض یک دوره ی درآمد زایی	120.....
2-9-4- معرفی قاعده ی سیاست پولی فریدمن دو خانواری با رهیافت بازگشتی	122.....
3-9-4- طراحی قاعده ی N خانواری فریدمن با رهیافت بازگشتی	124.....
4-9-4- معرفی قاعده ی سیاست پولی N خانواری کیدلند و پرسکات بر اساس رهیافت بازگشتی با T دوره ی درآمد زایی	130.....
5-9-4- معرفی قاعده ی سیاست پولی تیلور N خانواری بر اساس رهیافت بازگشتی با T دوره ی درآمد زایی	131.....
6-9-4- طراحی قاعده ی سیاست پولی N خانواری داو بر اساس رهیافت بازگشتی با T دوره درآمد زایی	133.....
10-4- تحلیل معیارهای بهینگی، کارایی، برابری و پایداری بر اساس رهیافت بازگشتی	135.....
1-10-4- معیار بهینگی	136.....
2-10-4- معیار کارایی	136.....

عنوان	صفحه
3-10-4- معیار برابری .....	138
4-10-4- معیار پایداری .....	138
11-4- تحلیل قاعده ی ایده آل پولی .....	139
12-4- جمع بندی .....	142

#### فصل پنجم: پاسخ به سوالات تحقیق

مقدمه .....	143
1-5- بررسی فرضیه های تحقیق .....	144
1-1-5- مبانی قواعد پولی از نظر شکل گیری انتظارات، تفکر نظام مند و وظایف پول .....	144
2-1-5- قواعد پولی از نظر معیارهای کارایی، بهینگی، پایداری و برابری .....	144
3-1-5- قاعده ی ایده آل پولی به عنوان زیر مجموعه ی حداکثری از معیارهای چهارگانه ی کارایی، بهینگی، پایداری و برابری .....	144
2-5- جمع بندی .....	144
3-5- پیشنهادات .....	145
1-3-5- مطالعات و پژوهش های آتی .....	145
2-3-5- طراحی قواعد پولی در عرصه ی سیاست گذاری .....	145
<b>منابع و مأخذ .....</b>	<b>146</b>

## فهرست شکل ها

صفحه	عنوان
66.....	شکل 3-1: نمودار مراحل مختلف شکل گیری یک نظام پویا(فارستر،1994).....
72.....	شکل 3-2: نمودار ترسیم سه بعدی معادله ی فوریه.....
73.....	شکل 3-3: نمودار رفتار هارمونیک بر اساس یک معادله ی فوریه.....
76.....	شکل 3-4: نمودار فرایند شکل گیری الگوهای کلان بازگشتی.....
77.....	شکل 3-5: نمودار مسیرهای بهینه ی مصرف برای خانوارهای فرد و زوج.....
91.....	شکل 4-1: نمودار نحوه ی شکل گیری تعادل بر اساس قاعده ی سیاست پولی فریدمن.....
92.....	شکل 4-2: نمودار نحوه ی شکل گیری تعادل بر اساس قاعده سیاست پولی فریدمن با توجه به ساز و کار IOU.....
95.....	شکل 4-3: نمودار نحوه ی شکل گیری ناسازگاری زمانی(دولت مصلحت گرا).....
96.....	شکل 4-4: نمودار نحوه ی شکل گیری سازگاری زمانی(دولت قاعده گرا).....
111.....	شکل 4-5: نمودار الگوی قاعده ی سیاست پولی تیلور.....
118... (CAP)	شکل 4-6: نمودار نحوه ی دست یابی به تعادل بلند مدت با وجود قرارداد اختیار معامله خرید (CAP).....
119.....	شکل 4-7: نمودار نحوه ی دستیابی به تعادل کوتاه مدت با وجود CAP.....

## فهرست جدول ها

عنوان	صفحه
جدول 3-1: نحوه ی ارزیابی معیارهای بهینگی، کارایی، برابری و پایداری در قواعد سیاست پولی منتخب ...	82
جدول 4-1: مسیر بهینه ی مصرف برای یک دوره ی درآمد و N نسل مختلف همزمان .....	126
جدول 4-2: برآورد مسیر بهینه ی مصرف .....	129
جدول 4-3: جمع بندی نتایج مسیر های بهینه ی مصرف بر اساس رهیافت بازگشتی .....	134
جدول 4-4: بیان توصیفی نحوه ی ارزیابی معیارهای قواعد سیاست پولی .....	135
جدول 4-5: تحلیل کارایی بلند مدت قواعد سیاست پولی .....	137
جدول 4-6: تحلیل کارایی کوتاه مدت قواعد سیاست پولی .....	137
جدول 4-7: بررسی معیار برابری قواعد سیاست پولی .....	138
جدول 4-8: تحلیل معیار پایداری قواعد سیاست پولی .....	139
جدول 5-1: بررسی وضعیت قواعد سیاست پول از منظر انتظارات .....	144
جدول 5-2: دسته بندی قواعد پولی از نظر تفکر نظام مند .....	145
جدول 5-3: جمع بندی نتایج تحلیل .....	145
جدول 5-4: بررسی قواعد پولی از نظر معیار های کارایی، بهینگی، پایداری و برابری .....	146

## فصل اول

### طرح تحقیق

#### مقدمه

تثبیت اقتصادی شامل ثبات قیمت ها، محصول حقیقی و دست یابی به سطوح نسبتا بالای اشتغال از مهمترین اهداف نهایی<sup>1</sup> اقتصاد کلان است که برای تحقق آنها باید از اهداف میانی<sup>2</sup> استفاده شود زیرا که اولاً برای کنترل و ارزیابی میزان تحقق اهداف نهایی، آمارهای کلان و به روز از قیمت ها، تولید ناخالص داخلی و اشتغال لازم است که این نوع اطلاعات با وقفه تولید می شوند. ثانياً برای جلوگیری از اثرات اختلال و شوک های ناشی از تغییر و تحولات اقتصاد داخل و خارج باید فرایندهای تصمیم گیری بر اساس اصول و اهداف مشخصی طراحی شوند تا انحراف از اهداف نهایی اقتصاد کلان حداقل شود (شاگری، ۱۳۷۸، ۴۵۹). بنابراین اگر اهداف میانی به

---

1 Ultimate Goals

2 Intermediate Targets

درستی تامین شوند دست یابی به اهداف نهایی اقتصاد کلان نیز محقق می شود. برای تحقق اهداف میانی اقتصاد کلان از سیاست های پولی، مالی و درآمدی استفاده می شود.

برنامه ریزان اقتصاد کلان برای تحقق اهداف سیاست پولی از دو ابزار متداول اصلی نرخ بهره و حجم پول استفاده می کنند. اما سوالی که مطرح است این است که از این ابزارها چگونه استفاده شود تا امکان تحقق اهداف نهایی از طریق اهداف میانی محقق گردد؟

برای پاسخ به این سوال دو دیدگاه وجود دارد که یکی مصلحت<sup>1</sup> و دیگری قاعده<sup>2</sup> است. اگر تصمیم های برنامه ریز پولی صرفاً در جهت برطرف کردن بی تعادل های کوتاه مدت اقتصادی باشد؛ بدون آنکه برنامه ریز سیاست های خود را براساس مجموعه ای از اهداف مشخص و از قبل تعیین شده اتخاذ نماید، مبتنی بر مصلحت است. یعنی اتخاذ بهترین سیاست ها در هر دوره ی زمانی به طوری که امکان ارزیابی آنها صرفاً در همان دوره فراهم است. اما اگر انتخاب سیاست های بهینه برای برطرف کردن بی تعادل های کوتاه مدت در یک دوره خاص نباشد و مبتنی بر نگاه بلند مدت و متشکل از اهداف مشخص و از قبل تعیین شده با پرهیز از مداخله های روزانه و کوتاه مدت اتخاذ شود، مبتنی بر قاعده است (کارسون، 1988).

به اعتقاد دایر<sup>3</sup> (1988)، اولین بار تمایز میان قاعده و مصلحت توسط سیمون<sup>4</sup> در سال 1936، در مقاله ای تحت عنوان "قواعد در مقابل اختیار در سیاست پولی"<sup>5</sup> مطرح شده است. سیمون اعتقاد دارد برای دست یابی به اهداف غایی اقتصاد کلان مانند تثبیت اقتصادی، نمی توان به یک مقام پولی اختیار کامل در سیاست گذاری های پولی داده شود، بلکه باید مقام پولی بر اساس قواعدی که نهادهای تصمیم ساز اقتصادی اتخاذ می نمایند، عمل کند. دلیل اصلی سیمون در ضرورت به کارگیری قاعده، استفاده از اجماع نظرات نهاد های اقتصادی در سیاست گذاری های پولی است.

فریدمن (1959 و 1969)، با استناد به این که سیاست های پولی در کوتاه مدت اثرات نامعین دارند و این اثرات با وقفه در اقتصاد ظاهر می شوند، ضرورت شکل گیری قاعده ی پولی با نرخ رشد ثابت حجم پول را بیان کرد.

کیدلند و پرسکات (1977) با معرفی پدیده ی ناسازگاری زمانی، ادعا می کنند به دلیل مساله ناسازگاری زمانی، سیاست های مصلحتی اعمال شده توسط مقام پولی در کوتاه مدت منجر به بروز بی تعادلی در اقتصاد می شود زیرا خانوارها به دلیل لحاظ کردن انتظارات ناشی از تاثیر سیاست های آتی دولت در زمان

1 Discretion

2 Rule

3 Dwyer

4 Simons

5 Rules Versus Authorities in Monetary Policy

حال، از سیاست های آتی دولت که هم اکنون اتخاذ می شود، تاثیر می پذیرند. در واقع رفتارهای مصلحت گرایانه ی دولت باعث می شود که انتظار خانوارها از سیاست های آتی دولت فاقد یک نظم و الگوی منطقی جهت تصمیم گیری شود. بنابر این امکان تصمیم گیری برای خانوارها در هر لحظه از زمان فراهم نشده که این مساله باعث بروزی تعادلی می شود.

تیلور (1993)، در نقطه ی مقابل دیدگاه های مذکور، ادعا می کند مفهوم حقیقی قاعده باید فراتر از مفهوم ارائه شده قاعده بر اساس دیدگاه کیدلند و پرسکات باشد، زیرا یک قاعده باید بتواند بی تعادل های کوتاه مدت اقتصاد را بر اساس ساز و کار تثبیت کننده ی خودکار برطرف کند. ضمن آنکه در تغییر یک قاعده ی پولی به قاعده ی دیگر و اجرای روزانه ی آن قاعده، تصمیم گیری های کوتاه مدت ضرورت دارد. بنابر این یک قاعده مناسب پولی باید به مصلحت نیز توجه نماید. در واقع اگر چه تیلور ضرورت قاعده را نفی نمی کند، اما تاکید دارد که در محتوای قاعده باید به مصلحت نیز توجه شود. بنابر این تیلور مصلحت گرایی در سیاست گذاری های پولی را جزیی از یک قاعده ی سیاست پولی می داند.

از آنجا که ضرورت وجود و چگونگی شکل گیری قاعده هم چنان از موضوعات چالشی در محافل علمی و سیاست گذاری های پولی است و از آنجا که یکی از اقدامات لازم برای تدوین قاعده ی سیاست پولی با رویکرد اسلامی - ایرانی، شناخت و تحلیل دقیق قواعد پولی در نظام سرمایه داری است، این رساله به تحلیل قواعد پولی در چهار مکتب نظام اقتصاد سرمایه داری شامل مکتب پولی، کلاسیک های جدید، کینزین های جدید، مکتب اتریشی می پردازد. بر این اساس، در این رساله، مبانی چهار قاعده ی سیاست پولی فریدمن، کیدلند و پرسکات، تیلور و داو از منظر شکل گیری انتظارات، تفکر نظام مند و وظایف پول به دنبال معیارهای ارزیابی عملکرد قواعد شامل معیارهای بهینگی، کارایی، برابری و پایداری تحلیل و معیارهای یک قاعده ی ایده آل قاعده ی پولی معرفی می شود.

ساختار این فصل به شرح زیر است:

در ابتدا شرح و بیان مساله تحقیق عنوان می شود. در ادامه، اهداف، اهمیت و ضرورت تحقیق، کاربرد نتایج، فرضیه ها، روش تحقیق و واژگان کلیدی بیان می شود.

## 1-1- شرح و بیان مساله ی تحقیق

قاعده یک فرایند تصمیم سازی نظام مند است که منجر به استفاده از اطلاعات در یک مسیر سازگار<sup>1</sup> و قابل پیش بینی<sup>2</sup> می شود (پول، 1999). با توجه به نظر ویلیام پول<sup>3</sup> (1999، صص 3-4)، سه نوع قاعده وجود دارد:

**قاعده نوع اول:** این دسته از قواعد، تعامل<sup>4</sup> بین انسان با محیط پیرامون را برقرار می کنند. برای این نوع قواعد، اصول مهندسی بهینه، به معنای قاعده ی بهینه است. به طور مثال، در ساخت ترموستات به عنوان یک وسیله ی کنترل کننده ی گرما، رعایت اصول مهندسی در طراحی فرایند کنترل گرما، به معنای رعایت قواعد بهینه ترمودینامیک است.

**قاعده نوع دوم:** این دسته از قواعد، تعامل میان افراد را با یکدیگر تنظیم می کنند. در این حالت فقدان یک قاعده میان افراد می تواند تاثیرات نامطلوب رفاهی زیادی داشته باشد. در اینجا قانون<sup>5</sup> می تواند مصداق بارزی از قواعد نوع دوم باشد.

**قاعده نوع سوم:** این دسته از قواعد، مبنای شکل گیری تصمیم گیری های نهادها هستند. شناسایی منافع ناشی از یک طرح و رفتارهای ناشی از اجرای یک سیاست، موضوعاتی هستند که در این نوع قواعد مورد توجه قرار می گیرند. در واقع قواعد سیاست های پولی از این نوع هستند.

سوانسون<sup>6</sup>، (1998)، با انتقاد از تعاریف متغیرهای هدف توسط برخی اقتصاد دانان مانند روگوف<sup>7</sup>، والش<sup>8</sup>، سیچاتی<sup>9</sup>، رودیبوش<sup>10</sup>، کلاریدا<sup>11</sup> و گالی<sup>12</sup> در توابع زیان<sup>13</sup> - که یک تابع در بردارنده ی اهداف مورد نظر برنامه ریز در جهت کاهش بیکاری و تورم است - و بر اساس تعریف لغت نامه ی ماریام - وبستر<sup>14</sup>، که قاعده را یک رهنمود توصیفی برای هدایت رفتار اقتصادی می داند، قاعده ی سیاست پولی را تعریف می کند. بر این اساس، قاعده سیاست پولی، یک رهنمود توصیفی برای هدایت<sup>15</sup> سیاست پولی است.

---

1 Consistent  
2 Predictable  
3 William Pool  
4 Interaction  
5 Law  
6 Svensson  
7 Rogoff  
8 Walsh  
9 Cecchetti  
10 Rudebusch  
11 Clarida  
12 Gali  
13 Loss Function  
14 Merriam-Webster  
15 Conduct



اگرچه ورود بحث قاعده به صورت یک موضوع علمی در سیاست گذاری های پولی توسط سیمون (1936) بوده است، ضرورت توجه سیاست گذاران به قاعده ی پولی، به اوایل دهه ی 1960 بر می گردد. یعنی زمانی که اقتصاد دانان به این باور رسیدند که بانک مرکزی می تواند نقش موثری در دست یابی به اهداف چند منظوره اجتماعی<sup>1</sup> داشته باشد (پول، 1999، ص:4). در این خصوص اگرچه دیوید ریکاردو<sup>2</sup> و جان استوارت میل<sup>3</sup> پیشگامان نظریه ی مقداری پول بوده اند (زمانی فراهانی، 1385، ص:64) و بعدها کینز<sup>4</sup> بیان جدیدی از انگیزه های نگهداری پول را مطرح نمود، قاعده گذاری سیاست پولی را باید اولین بار به قاعده ی پولی فریدمن منسوب کرد.

به اعتقاد مک کالم<sup>5</sup> (1999، ص:4) علت شکل گیری قواعد پول، تقابل میان سیاست های بانک مرکزی و اقتصاد دانان دانشگاهی و نتایج تحقیقات علمی آنها در زمینه ی نتایج اجرای سیاست های بانک مرکزی بوده است. به اعتقاد کیدلند<sup>6</sup> و پرسکات<sup>7</sup> (1977)، ظهور مفهوم قاعده پولی بدین منظور بود که بانک مرکزی به جای اتخاذ بهترین سیاست ها در هر دوره ی زمانی که امکان ارزیابی آنها صرفا در همان دوره فراهم است - یعنی مصلحت<sup>8</sup> - به سراغ اتخاذ سیاست هایی برود که در دوره های زمانی طولانی تر سازگار باشند. زیرا امکان دارد اتخاذ سیاست بهینه در هر دوره منجر به برهم خوردن سیاست های بهینه ی دوره های دیگر شود. در این زمینه کیدلند و پرسکات (1977)، نشان داده اند مقام پولی یا برنامه ریز پولی باید از قاعده به جای مصلحت استفاده نماید. زیرا استفاده از مصلحت نمی تواند سازگاری سیاست ها را برقرار نماید و نهایتا باعث می شود جامعه به یک موقعیت زیر بهینه<sup>9</sup> برسد. بنابر این قاعده به عنوان مبنای سیاست پولی باعث می شود بانک مرکزی به عنوان یک نهاد تاثیر گذار برای تحقق اهداف اجتماعی بین دوره ای، هدف گذاری کند و نقش موثری در تثبیت اقتصادی و افزایش رفاه جامعه داشته باشد.

بنابراین اگر قاعده سیاست پولی می تواند منجر به تثبیت اقتصادی و افزایش رفاه جامعه شود، اولین سوالی که مطرح می شود آن است که یک قاعده ی سیاست پولی چگونه شکل می گیرد؟ برای پاسخ به این سوال باید مبانی و اصولی که یک قاعده ی سیاست پولی بر اساس آن ها شکل می گیرد، تحلیل شود. با توجه به تعریف

---

1 Multiple Social Objectives

2 David Ricardo

3 John Stoward Mill

4 Kyense

5 McCallum

6 Kydland

7 Prescott

8 Discretion

9 Sub Optimal

مطرح شده از قاعده توسط ویلیام پول، در تحلیل مبانی قاعده ی سیاست پولی اولاً باید یک قاعده مبتنی بر تفکر نظام مند باشد. دوم آن که به سازو کارهای شکل گیری انتظارات توجه داشته باشد و همچنین به دلیل آن که قاعده برای سیاست پولی به کار گرفته می شود، باید به وظایف پول نیز توجه نماید.

سوال دوم آن است که عملکرد یک قاعده ی سیاست پولی چگونه ارزیابی می شود؟ برای پاسخ به این سوال باید معیارهایی برای ارزیابی یک قاعده ی سیاست پولی مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به مباحث آغازین در شکل گیری قواعد سیاست پولی توسط هنری سیمون<sup>1</sup>(1936) و بررسی روند زمانی شکل گیری قواعد سیاست پولی فریدمن<sup>2</sup>(1969)، کیدلند و پرسکات<sup>3</sup>(1977)، تیلور<sup>4</sup>(1993)، داو<sup>5</sup>(1999) و سایر مطالعات نوآور در عرصه ی قواعد سیاست پولی مانند چاری و کیهو<sup>6</sup>(1990)، آیری لند<sup>7</sup>(1997) و نیو بای<sup>8</sup>(2009) مشاهده می شود که برای ارزیابی قواعد سیاست پولی معیارهای چون کارایی، بهینگی، برابری و پایداری استفاده شده است.

## 1-2-اهداف تحقیق

- تحلیل مبانی قواعد سیاست پولی
- تحلیل معیارهای قواعد سیاست پولی
- دستیابی به معیارهای قاعده ی ایده آل سیاست پولی

## 1-3-اهمیت و ضرورت تحقیق

از آنجا که قاعده گذاری مقام پولی یکی از راه کارهای مقابله با بی ثباتی اقتصادی و پرهیز از اقدامات مصلحت گرایانه است، تحلیل قواعد پولی بر اساس دیدگاه های مکاتب اقتصادی، می تواند مبانی و ریشه های حاکم بر شکل گیری قواعد را در اقتصاد سرمایه داری آشکار نماید تا شرایط لازم برای امکان طراحی قواعد جدید و سازگار با الگوی اسلامی-ایرانی فراهم شود. بنابر این ضرورت هرگونه قاعده گذاری جدید در جهت توسعه ی نظری قواعد پولی در علم اقتصاد نیازمند شناخت دقیق مبانی و اصول حاکم بر قواعد پولی متعارف است. از آنجا

<sup>1</sup> Taylor

<sup>2</sup> Dowd

<sup>3</sup> Chari and Kehoe

<sup>4</sup> Ireland

<sup>5</sup> Newby

که تاکنون در مطالعات انجام شده در کشور، مطالعه‌ی جامعی با رویکرد شناخت دقیق و تحلیل محتوای قواعد سیاست پولی صورت نگرفته و تنها مطالعاتی محدود و عمدتاً از نظر کاربردی و فنی، برخی قواعد متعارف در اقتصاد ایران را ارزیابی کرده است، لذا این رساله از یک طرف می‌تواند از جنبه‌ی نظری باعث شود مطالعات نظری انجام شده در خصوص قواعد پولی موجود را تدوین و توسعه دهد و از طرف دیگر با ارائه دیدگاه جدید باعث تعمق آنها گردد. با عنایت به این که ساختار درآمدی دولت در ایران، بیشتر متکی به درآمدهای نفتی است؛ به طوری که این درآمدها، خود متأثر از نوسانات ارزی و موجب نوسانات پولی است، از منظر راهبردی، طراحی یک قاعده‌ی سازگار با شرایط اقتصادی ایران می‌تواند جایگاه سیاست‌گذاری‌های پولی در اقتصاد ایران را در جهت ثبات اقتصادی ارتقاء دهد.

#### 1-4- کاربرد نتایج تحقیق

با توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری (مدظله) در ضرورت دست‌یابی به الگوی اسلامی-ایران پیشرفت، طراحی هر گونه‌ی قاعده‌ی سیاست پولی با رویکرد اسلامی-ایرانی، نیازمند شناخت و تحلیل دقیق قواعد سیاست پولی در نظام سرمایه‌داری است. بر این اساس، این رساله با معرفی و تحلیل دقیق قواعد سیاست پولی کمک موثری به طراحی قاعده‌ی سیاست پولی با رویکرد اسلامی-ایرانی می‌کند. از این رو برای نهادهای برنامه ریز اقتصادی مانند بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، وزارت امور اقتصاد و دارایی و نهادهای پژوهشی در حوزه‌ی اقتصاد پولی قابلیت به کارگیری دارد.

#### 1-5- فرضیه‌های تحقیق

1-5-1- مبانی قواعد سیاست پولی از نظر تفکر نظام‌مند<sup>1</sup>، وظایف پول و شکل‌گیری انتظارات با یکدیگر متفاوت است.

1-5-2- معیارهای قواعد سیاست پولی شامل معیارهای کارایی، بهینگی، پایداری و برابری با یکدیگر متفاوت است.

1-5-3- قاعده‌ی ایده‌آل سیاست پولی زیر مجموعه‌ی حداکثری از معیارهای چهارگانه‌ی کارایی، بهینگی، پایداری و برابری است.

<sup>1</sup> Systematic Thought

## 1-6- روش تحقیق

روش تحقیق عام به کار رفته برای ارزیابی تمام فرضیات تحقیق، روش تحلیل محتوا است که به صورت توصیفی و با استفاده از رهیافت بازگشتی و آنالیز حقیقی جهت ارزیابی هر فرضیه به شرح زیر تصریح می شود:

در ارزیابی فرضیه اول، بر اساس تحلیل محتوای توصیفی قواعد منتخب، نظام مندی تفکر حاکم در طراحی قواعد، وظایف پول و شکل گیری انتظارات بررسی می شود. در بررسی فوق، تمایز مبانی قواعد سیاست پولی از منظر تفکر نظام مند، محتوای قواعد سیاست پولی از منظر ویژگی های یک تفکر نظام مند بررسی می شود. در ارزیابی فرضیه فوق، محتوای قواعد مذکور با توجه به سه وظیفه پول (مبادلاتی، ذخیره سنجش، واحد ارزش) و شکل گیری انتظارات بررسی می شود.

در ارزیابی فرضیه دوم از رهیافت بازگشتی<sup>1</sup> استفاده می شود.

رهیافت بازگشتی<sup>2</sup>، یک رهیافت پویای تصادفی است که تعادل های اقتصادی بهینه و مانا را در طول زمان با توجه به وجود مساله ی ناسازگاری زمانی<sup>3</sup> و ادوار تجاری بر اساس مسیرهای بلندمدت، شبیه سازی می نماید. تعادل های اقتصادی که در بستر این رهیافت شکل می گیرند، تعادل های بازگشتی (RCE)<sup>4</sup> نام دارند. تعادل بازگشتی، نوعی تعادل عمومی در اقتصاد است که شکل گیری آن بر اساس الگوهای پویا و با توجه به ساز و کار های تکرار پذیری انجام می گیرد (لینکوئیست<sup>5</sup> و سارجنت، 2004). این الگوها در اقتصاد در سه بخش تحلیل دنباله ها<sup>6</sup> توسط والد<sup>7</sup>، برنامه ریزی پویا<sup>8</sup> توسط بلمن<sup>9</sup> و فیلترینگ<sup>10</sup> کالمن<sup>11</sup> توسعه یافته است (همان، ص: 7). از ویژگی های تعادل های بازگشتی، پویایی آن ها است. یعنی در طول زمان، فرایندهای بهینه انجام و تکرار می شود. به عبارت دیگر در فرایندهای بازگشتی، نوعی منطق تکرار وجود دارد. این منطق

---

1 Recursive Models

2 Recursive Approach

3 ناسازگاری زمانی شرایطی است که بر اساس آن، آنچه برای یک بنگاه اقتصادی در یک دوره ی زمانی T، مرجح بوده و بر اساس آن مقادیر بهینه را انتخاب می نموده، در دوره ی زمانی دیگر مانند T+1، مرجح نیست. در واقع ناسازگاری زمانی یعنی متغیر بودن مقادیر بهینه تصمیم های بهینه خانوار در طول زمان (استراتز، 1965، ص: 166). برای توضیح بیشتر در خصوص مساله ی ناسازگاری زمانی به مقاله ی نطفه زای کیدلند و پرسکات، 1977 (برندگان نوبل اقتصاد در سال 2004) تحت عنوان "Rules rather Discretion, Time inconsistency of optimal plans" مراجعه شود.

4 Recursive Equilibrium

5 Ljungquist and Sargeant

6 Sequence Analysis

7 Wald

8 Dynamic Programming

9 Belman

10 Filtering

11 Kalman